

معرفی و بررسی نشانه‌های اعراب در نسخه‌ای کهن از قرآن کریم*

□ رضا فرشچیان^۱

چکیده

کتابخانه مک‌لنن^۲ دانشگاه مک‌گیل^۳ حاوی مجموعه‌هایی از ذخایر نفیس و گوهرهای درخشان فرهنگ اسلام و ایران می‌باشد، قطعات کمیاب از قرآن کریم از جمله آن‌هاست. یکی از کهن‌ترین قطعه‌های قرآن که در این کتابخانه نگهداری می‌شود آیاتی از سوره مبارکه زمر را در بر دارد. این قطعه به خط کوفی بر دو طرف پاره‌ای از پوست نگارش یافته است و برای نشان دادن حرکت حروف و اعراب آیه‌ها از نقطه‌هایی قرمز رنگ استفاده شده است و نمی‌توان به یقین درباره نقطه حروف متشابه یا نشانه‌های تقسیم آیه‌ها اظهار نظر کرد. از نشانه‌های درخور توجه این دست‌نوشته نقطه‌هایی پیرامون واو می‌باشد. این نقطه‌ها با توجه به حرکت حرف بعد از واو نهاده شده‌اند. وجود دو نقطه بین و قبل از برخی از الف‌های این قطعه نیز قابل توجه می‌باشد. مقاله حاضر که

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۲۳.

۱. استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان (farshchian@uk.ac.ir).

حاصل ارزیابی این نسخه منحصر به فرد در مدتی طولانی است، بیانگر کوشش‌های
طلایه‌داران کتابت قرآن کریم و شیوه‌های ابداعی آنان در نگارش کلام الله مجید
می‌باشد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، نسخ خطی قرآن، سوره زمر، دانشگاه مک‌گیل،
Parchment.

مقدمه

یک قطعه پوست^۱ (ر.ک: پیوست ۱ و ۲) که بر هر دو طرف آن آیاتی از سوره مبارکه زمر
کتابت شده است به شماره AC 151 در کتابخانه مک‌لنن دانشگاه مک‌گیل در شهر
مونت‌رآل استان کبک کانادا در بخش کتاب‌های کمیاب و مجموعه‌های ویژه^۲
نگهداری می‌شود.^۳ نگارنده با مغتنم شمردن فرصت مطالعاتی در مؤسسه مطالعات
اسلامی^۴ آن دانشگاه این نسخه منحصر به فرد را که متأسفانه آسیب فراوان دیده است
در مدتی بسیار طولانی مورد ارزیابی قرار داده که حاصل آن مقاله حاضر است. با نظر
به قدمت این نسخه و در بر داشتن نشانه‌هایی متنوع در نقط و بعضاً اعیام قرآن کریم
که تا کنون به آن‌ها کمتر پرداخته شده است، نگارنده در صدد معرفی تفصیلی آن
است. این مقاله بیانگر کوشش‌های طلایه‌داران کتابت قرآن کریم و شیوه‌های ابداعی
آنان در نگارش کلام الله مجید می‌باشد. بیشتر دکتر آدام گچک^۵ در مقاله «قطعات

۱. Parchment قطعه‌ای پوست است که می‌توان بر هر دو طرف آن نوشت به این دلیل که مات است و زمانی
که به صورت طومار در آید تکه‌تکه نمی‌شود. (Fuchs, *The History and Biology of Parchment*).

2. Rare books and special collections.

۳. جهت آگاهی از آثار کهن اسلامی در این دانشگاه ر.ک:

Gacek, 1989: 37-53; Gacek, *Arabic Lithographed Books in the Islamic Studies Library*:
viii/269; Gacek, 1991: xviii/291; Gacek, 2002: [643]-657; Gacek, 1984-1985: 2 v.:
iii; Gacek & Yayıncılu, 1998: 41-63; Gacek, 2005.

۴. مؤسسه مطالعات اسلامی (Institute of Islamic Studies) تأسیس به سال ۱۹۵۲، یکی از مهم‌ترین
مراکز آموزشی - تحقیقاتی اسلامی در شمال قاره آمریکا به شمار می‌رود. از مهم‌ترین ویژگی‌های این
مؤسسه، کتابخانه بسیار غنی آن [Islamic Studies Library (ISL)] می‌باشد، این کتابخانه دربردارنده
بیش از ۱۱۰ هزار جلد کتاب به زبان‌های شرقی و اروپایی می‌باشد و مجموعه نسخ خطی آن در بخش
کتاب‌های کمیاب و مجموعه‌های ویژه در کتابخانه مک‌لنن نگهداری می‌شود (جهت اطلاع بیشتر ر.ک:
<http://www.mcgill.ca/islamicstudies/overview>).

5. Adam Gacek.

اولیه قرآنی^۱ که به سال ۱۹۹۰ م. توسط انتشارات دانشگاه مک گیل منتشر شده است به معرفی اجمالی بیست قطعه قرآن موجود در کتابخانه دانشگاه مک گیل اقدام نموده است که قطعه مورد پژوهش یکی از آنهاست. کار ایشان علاوه بر بررسی این نسخه به مطالعه فرانسوا دیروش^۲ مبتنی است ولی در مورد این نسخه از معرفی کوتاه فراتر نرفته و از نقطه^۳ و اعجام آن به تفصیل سخن گفته نشده است. ترجمه معرفی این قطعه در مقاله ایشان به قرار زیر است:

"AC 151، یک برگ ۱۳۵×۸۴/۱۷۰×۱۲۵ میلی متر، ۱۴ سطر در هر صفحه. بر چرم با جوهر قهوه‌ای تیره نوشته شده است. نقطه‌گذاری^۴ نشده ولی با نقطه‌های قرمز اعراب شده است. کناره‌های برگه آسیب دیده است، آب باعث لکه‌ای در گوشه بالای آن شده است و یک محدوده اکسیده شده است. متن در قسمت ضخیم‌تر^۵ نگارش یافته است و آیات تقسیم‌بندی نشده‌اند.

1. Early Qur'anic fragments.

2. François Déroche.

۳. پژوهش و نگارش در شناخت مسائل مربوط به نقط قرآن کریم از پیشینه‌ای بس بلند برخوردار است و پیشگام در این حوزه خلیل بن احمد فراهیدی (۱۰۰-۱۷۰ ق.) بوده است (دانی، ۱۴۰۷: ۹). از اثر او در *الفهرست ابن ندیم* (م. ۳۸۵ ق.) به *کتاب النقط و الشكل* یاد شده است (۱۹۷۸: ۶۴). جمعی دیگر که در این باره دست به تألیف زده‌اند، عبارت‌اند از: محمد بن عیسی، ابواسحاق یزیدی، ابراهیم بن یحیی (م. ۲۲۵ ق.)، ابن الانباری محمد بن القاسم (م. ۳۲۸ ق.)، ابوحاتم سجستانی سهل بن محمد (م. ۲۴۸ ق.)، دینوری (همان: ۵۳). متأسفانه گزارشی از وجود نسخه‌هایی از این کتاب‌ها در دست نیست (مراجعه به *الفهرس الشامل «مجلدات علوم القرآن، مخطوطات التفسیر و علومه، مخطوطات التجوید، ج ۳»* نشان می‌دهد که از این آثار نسخه‌های خطی گزارش نشده است [ر. ک: *مخطوطات التفسیر، ج ۱ و ۲، زیر نام نام‌برندگان؛ نیز: همان: ۳۶/۱، ۴۲، ۹۹۹*]). ابن ابی داود سجستانی (م. ۳۱۶ ق.) بخشی از *کتاب المصاحف* خود را با نام «باب نقط المصاحف» به این مبحث اختصاص داده است (۱۴۲۳: ۳۲۲-۳۲۴). ابوعمرو دانی (م. ۴۴۴ ق.) از دانشمندان نامی این حوزه، *المحکم فی نقط المصاحف و النقط* را با هدف تبیین این مباحث به رشته تحریر درآورده است. اخیراً دکتر عبدالنواب مرسی حسن اکرت، استادیار دانشگاه الازهر، در پژوهشی درازدامن به نام *الضبط المصحفی نشأته و تطوره* به تفصیل از کتابت قرآن کریم در مصاحف و تاریخ و رویدادهای مرتبط به ضبط، نقط و اعجام قرآن کریم سخن گفته است. این اثر به سال ۲۰۰۸ م. توسط مکتبه الآداب در قاهره منتشر شده است.

۴. مراد، نقطه‌گذاری حروف متشابه است که از آن به «اعجام» یاد می‌شود (برای تفصیل ر. ک: دانی، ۱۴۰۷: ۳۵ و ۴۳).

5. Flesh side.

سوره زمر (۳۹)، آیات ۶-۱۷ (آغاز): ﴿لَا هُوَ فَائِي تُصْرَفُونَ﴾ (۶) ﴿إِنْ تَكْفُرُوا...﴾ (انجام): ﴿إِلَى اللَّهِ تُمَّ الْبَشَرِيَّةُ﴾ (Gacek, 1990: 59; Déroche BII (pl. XI))

۱. توصیف قطعه

این قطعه به ابعاد تقریبی ۱۷۹×۱۲۵ میلی متر است و در طرفین آن آیات ششم تا هفدهم از سوره مبارکه زمر در ۱۴ سطر به ابعاد تقریبی ۸۴×۱۳۵ به خط کوفی با جوهر قهوه‌ای تیره نوشته شده است.

طرف اول با ﴿لَا هُوَ فَائِي تُصْرَفُونَ﴾ (زمر/ بخش پایانی آیه ۶) آغاز و با ﴿اتَّقُوا رَبَّكُمْ﴾ (زمر/ ۱۰) پایان یافته است. پشت برگه با ﴿لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا﴾ (زمر/ ۱۰) شروع شده است و با ﴿تَمَّ الْبَشَرِيَّةُ﴾ (زمر/ بخش پایانی آیه ۱۷) پایان یافته است و حروف منفصل هر کلمه با فاصله از بقیه حروف آمده است؛ برای نمونه در طرف دوم، الف ﴿الْصَّبْرُونَ﴾ در انتهای سطر دوم و بقیه در سطر سوم نوشته شده است:



و یا ﴿ذَلِكْ﴾ در سطور یازده و دوازده نگارش یافته است. اعراب آیات به وسیله نقطه‌های قرمز مشخص شده‌اند ولی جز در دو مورد حروف مشابه دارای نقطه نیستند و احتمالاً در دو مورد می‌توان به وجود علامت پایان آیه اذعان نمود. این قطعه بسیار عتیق و قدیمی بوده و اگرچه نمی‌توان به درستی تاریخ^۲ و

۱. با توجه به نوع نگارش این قطعه همزه «إِلا» در صفحه قبل بوده است.
 ۲. دکتر آدام گچک (Adam Gacek) کتاب‌شناس و متخصص نسخ خطی عربی در دانشگاه مک‌گیل معتقد است که درباره قدمت قطعه قرآنی‌هایی که در این دانشگاه نگهداری می‌شود، نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد، اما قطعه‌های نگارش یافته بر کاغذ نمی‌تواند متعلق به پیش از نیمه دوم قرن دوم که مسلمانان با کاغذ آشنا شدند، باشد. نگارش بر پوست پیش از آشنایی با کاغذ رواج داشته است و در شرق دنیای اسلام قرآن بر پوست نیز تا حدود قرن چهارم کتابت می‌شده است، اگرچه در مغرب شاهد این روال تا قرن هشتم هجری می‌باشیم (Gacek, 1990: 59). وی درباره پرسش نگارنده مبنی بر تخمین زمان نگارش این قطعه، ضمن تذکر مشکل بودن آن، در یک نگاه کلی آن را خط اوایل دوره عباسی بر پوست می‌داند (Early Abbasid script on parchment in the horizontal format).

مکان نگارش^۱ آن را دانست ولی با ملاحظه نگارش بر پوست و به ویژه کهنگی آن و علامت‌های موجود، می‌توان نسخه را نزدیک به زمانی دانست که نقط به نگارش نسخ قرآنی راه پیدا کرده است.

قطعه مورد گفتگو آسیب بسیار دیده است و به خصوص در اواسط سطور ۱۲ و ۱۳ روی کلمات ﴿يَسْتَوِي﴾ و ﴿يَتَذَكَّرُ﴾ (زمر/ ۹) در طرف اول و بین دو واژه ﴿اللَّهُ﴾ و ﴿بِهِ﴾ (زمر/ ۱۶) در طرف دوم به دلیل اکسید شدن سوراخ شده است و در گوشه سمت چپ طرف اول (اواخر سطور اول تا هفتم) به سبب رطوبت ناشی از آب یا روغن، رنگ پوست به تیرگی رفته است و طرف دوم از این جهت آسیب کمتری دیده است. کهنگی، تأثیر بیشتری بر طرف اول نهاده است، ۴ سطر آغازین پررنگ‌تر از دیگر سطور است و برخی کلمات به دشواری قابل خواندن است این امر به ویژه در ۳ سطر پایانی قابل مشاهده است اما طرف دوم به مراتب خواناتر است و واژگان کمتر تغییر رنگ داده‌اند و به جز کلمه ﴿الصَّبْرُونَ﴾ (سفر ۳) و ﴿الْبَشَرِي﴾ (سفر آخر) بقیه متن قابل خواندن است.

۲. نشانه‌های اعراب

در این قطعه نقطه‌های قرمز رنگ نشانگر اعراب کلمات قرآنی هستند، اگرچه سرتاسر متن اعراب نشده است ولی این علامت‌ها به وفور در این قطعه دیده می‌شوند. مصاحف در آغاز بدون نشانه‌های اعراب کتابت می‌شده است (ر.ک: حسن، ۲۰۰۳: ۱۰۷). مطالعه در تاریخ قرآن نشان می‌دهد که در قرن نخست هجری مسلمانان اقدام به



۱. ابن ابی داود در کتاب المصاحف از کتابت نکردن یاء در مصاحف عراقی سخن گفته است: «وأهل العراق لا يثبتون الياء» (سجستانی، ۱۴۲۳: ۱۵۳) و بنا به سخن ابن انباری در هر اسم منادای مضاف به یاء متکلم، یاء کتابت نمی‌شود. وی به دو آیه ۱۰ و ۱۶ در سوره زمر استناد می‌کند و اضافه می‌کند که در ﴿يَعْبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا﴾ (زمر / ۵۳) چنین نیست (ر.ک: دانی، ۱۴۳۱: ۳۲۰؛ همو، المقتنع، بی‌تا: ۴۱)، در این قطعه در دو مورد نخست یاء محذوف می‌باشد (قطعه ش ۱۵۱، ص ۱، س ۱۴؛ ص ۲، س ۱۲) و متأسفانه از شیوه نگارش آیه ۵۳ آگاهی نداریم. اما در ادامه سخن ابن انباری می‌یابیم که در مصاحف عراق و نه مدینه، ﴿يَعْبَادِي﴾ (زخرف / ۶۸) بدون یاء کتابت می‌شده است. علاوه بر این در گزارش دانی از مصاحف عراقی می‌خوانیم که آن‌ها جز از رنگ قرمز برای نشان دادن حرکت‌ها و همزه‌ها استفاده نمی‌کردند (۱۴۰۷: ۲۰) و این در حالی است که در مصاحف دیگر از رنگ زرد نیز بهره می‌برده‌اند. استفاده از رنگ قرمز و نوشتن یاء می‌تواند حدس بر کتابت این نسخه در عراق را تقویت کند.

ابداع نشانه‌های اعراب نمودند. این کار در آغاز با نقطه‌گذاری بر حروف صورت می‌گرفته و به نظر برخی دانشمندان در واقع تکمیل رسم‌الخط عربی بوده است (حمد، ۱۴۰۲: ۴۶۶، پاورقی ۱؛ حسن، ۲۰۰۳: ۱۹۷). بسیاری از دانشمندان نقطه‌گذاری برای نشان دادن اعراب واژگان قرآن کریم را از ابتکارات ابوالاسود دؤلی (۱-۶۹ ق.) می‌دانند (دانی، *النقط*، بی‌تا: ۱۲۹؛ همو، ۱۴۰۷: ۴؛ اکرت، ۲۰۰۸: ۶۹؛ برای تفصیل بیشتر ر.ک: حمد، ۱۴۰۲: ۵۰۴-۴۹۰). بنابر روش ابوالاسود وجود نقطه‌هایی بر بالا، پایین و مقابل حرف به ترتیب حکایت از فتحه، کسره و ضمه می‌کند و وجود همزمان دو نقطه حاکی از تتوین است. اگرچه در برخی دیگر از شهرها همانند مدینه و مکه روش دیگری برای نقطه‌گذاری در پیش گرفته بودند، نهایتاً همه به این سبک روی آوردند (دانی، ۱۴۰۷: ۸-۶؛ ر.ک: حسن، ۲۰۰۳: ۲۰۱).



نشانه‌های اصلی اعراب در این قطعه همانند چیزی است که از کار ابوالاسود گزارش شده است و در آن اثری از تأثیرپذیری از روش‌های دیگر نمی‌یابیم، نظیر استفاده از رنگ زرد و یا وجود قوس به هنگام تشدید که در روش اهل مدینه نقل شده و یا دلالت نقطه بالای حرف بر ضمه و نقطه مقابل آن بر فتحه که از مصحفی از اهل مکه گزارش شده و همچنین دلالت پاره‌خطی کوتاه بر سکون که از ابتکارات اتباع ابوالاسود دانسته شده است (ر.ک: حسن، ۲۰۰۳: ۸-۹ و ۵۱-۴۹؛ الاکرت، ۲۰۰۸: ۷۲-۷۳).


بنابراین طبیعی است مواردی را که با نشانه‌های ابوالاسود هماهنگی دارد متأثر از ابتکار وی بدانیم. این موارد بنا بر نظر ابوعمرو دانی (۳۷۱-۴۴۴ ق.) منحصر به حرکات (سه‌گانه) و تتوین می‌باشد (۱۴۰۷: ۶). با توجه به روشن نبودن تاریخ کتابت این قطعه نمی‌توان به یقین از تأثیرگذاری و یا تأثیرپذیری آن به روشنی تمام سخن گفت.

۱-۲. نشانگر فتحه

یک نقطه قرمز مدور^۱ درست بالای حرف، نشانگر فتحه است، همانند  (قطعه ش ۱۵۱، ص ۱، س ۱)، گاهی اوقات بین حرف و این نقطه فاصله‌ای نیست ولی برخی اوقات این نقطه با فاصله کمی بالای حرف گذاشته شده است، نظیر «فَأَنَّى»  (همانجا).

۱. نقطه‌های اعراب در آغاز مدور و به رنگی غیر از رنگ متن بوده است (حمد، ۱۴۰۲: ۴۸۸).





این نقطه در همزه‌های مفتوح بالای دنبالک انتهای همزه در سمت چپ همزه قرار دارد برای نمونه ﴿أَخَافُ﴾ چنین است:  (همان، ص ۲، س ۶) و ﴿أَنْ أُعْبَدَ﴾  (همانجا، س ۴). تعبیر دانی برای بیان این نشانه چنین است: «وَأَلْفٌ عَلِيَّ خَاصِرْتَهَا عَنِ يَمِينِهَا نَقْطَةٌ وَهِيَ لَهْمِزَةٌ مَفْتُوحَةٌ» (۱۴۰۷: ۲۵۰).

﴿آءَ اللَّيْلِ﴾ تنها موردی در این قطعه است که همزه مفتوح بعد از حرف مدی آمده است. ناقط تنها نقطه‌ای قرمز رنگ بر بالای الف و کمی متمایل به راست قرار داده است، بنگرید:  (قطعه ش ۱۵۱، ص ۱، انتهای س ۱۰ و ۱۱). دانی به این روش برای نقطه گذاری اشاره نکرده است، او آورده است که ناقطان برای همزه مفتوح بعد از حرف مدی همانند ﴿شُهَدَاءَ﴾ نقطه‌ای در سمت چپ الف می گذارند (۱۴۰۷: ۲۴۹).

۲-۲. نشانگر ضمه

یک نقطه قرمز در میان (درون) حرف نشانگر ضمه در این قطعه قرآنی است، همانند ضمه تاء در ﴿تَصْرُفُونَ﴾  (قطعه ش ۱۵۱، ص ۱، س ۱). در واو جمع این نقطه روی آن و یا بین واو و الف جماعه قرار دارد همانند ﴿تَكْفُرُوا﴾  (همانجا) و ﴿أَحْسَبُوا﴾  (همان، ص ۲، س ۱). در زمانی که حرف آخر کلمه مضموم باشد این نقطه در انتهای حرف آمده است، نظیر ﴿أَخَافُ﴾  و ﴿عَصِيَّتْ﴾  (همان، ص ۲، س ۶). در همزه‌های مضموم این نقطه در پایین سمت راست همزه ثبت شده است، برای نمونه می توان به ﴿أُخْرَى﴾  (همان، ص ۱، س ۴) و ﴿أَمْرَتْ﴾ اشاره کرد:  (همان، ص ۲، انتهای س ۴۰۳).

۳-۲. نشانگر کسره

یک نقطه زیر حرف نشانگر کسره است. البته این نقطه متمایل به سمت چپ حرف است، همانند ﴿هَذِهِ﴾  (همان، ص ۲، س ۱) و ﴿بَعَثَ﴾  (همانجا، س ۳). نشانه کسره در همزه در پایین دنبالک انتهای همزه در سمت راست قرار دارد، برای نمونه می توان به ﴿إِنْ﴾  و ﴿فَإِنَّ﴾  اشاره کرد (همان، ص ۱، س ۱). دانی از این نشانه به نقطه‌ای که زیر الف نهاده شده، یاد کرده است (۱۴۰۷: ۲۵۱).

۳. تنوین‌ها

در این قطعه قرآنی دو نقطه نزدیک به هم نشانه تنوین می‌باشد. این نوع نشانه گذاری برای تنوین‌ها نیز از ابتکارات ابوالاسود دؤلی به شمار می‌آید.

۱-۳. تنوین و فتحه

دو نقطه افقی بالای حرف نشان می‌دهد که حرف مفتوح را باید منون خواند همانند ﴿نُعْمَةٌ﴾ (قطعه ش ۱۵۱، ص ۱، ۷). هنگامی که کلمه منصوب با الف نگارش یافته باشد گاهی این دو نقطه به صورت عمودی قبل از الف نوشته شده است، همانند ﴿مُنِيبًا اِلَيْهِ﴾ (همان، ص ۱، ۷). در ﴿قَلِيلًا اِنَّكَ﴾ این دو نقطه را قبل از «لا» می‌بینیم: (همان، ص ۱، انتهای س ۹، ۱۰) و زمانی این دو نقطه دیده نمی‌شود، برای نمونه بنگرید به: ﴿سَاجِدًا وَقَائِمًا يَخْضَرُ﴾ (همان، ص ۱، ۱۱). شاید بتوان علت این امر را در سخن ابوعمر و دانی یافت؛ او آورده است در مواردی که این تنوین به حرف حلق بخورد، دو نقطه قبل از الف به صورت طولی گذاشته می‌شود و آنگاه ﴿لَيْسَ اِنَّ يَجْتَنِبُوا﴾ (نساء / ۳۱-۳۰) را به عنوان یکی از شواهد ذکر می‌کند. وی ادامه می‌دهد در صورتی که تنوین به حروف حلقی نخورد، این نقطه بر عرض گذاشته می‌شود (۱۴۰۷: ۲۴۸)، از این رو این احتمال وجود دارد که ناقط این قطعه تنها در صورت نخست از نقطه‌های قرمز برای نشان دادن تنوین استفاده کرده باشد.

۲-۳. تنوین و ضمه

دو نقطه عمودی نزدیک به هم که بعد از حرف قرار گرفته است، نشانه تنوین برای حرف مضموم است، نظیر ﴿عَنِّي﴾ (قطعه ش ۱۵۱، ص ۱، ۲)، ﴿عَلِيمٌ﴾ (همانجا، ص ۵) و ﴿ظُلَّلٌ﴾ (همان، ص ۲، ۱۱).




۳-۳. تنوین و کسره



دو نقطه افقی در زیر حرف نشان‌دهنده تنوین حرف مکسور می‌باشد همانند ﴿حِسَابٍ﴾ (همان، ص ۲، ۳) و ﴿يَوْمٍ﴾ (همانجا، ص ۶). البته گاه این دو نقطه کمی به سمت هم متمایل شده‌اند که همانند دو ساق مثلث متساوی الاضلاع

شده‌اند، همانند ﴿عَظِيمٌ﴾  (همانجا، ص ۷).



۱۸۳

۴. نقطه‌هایی قرمز رنگ پیرامون واو

در این قطعه قرآنی در مواردی نقطه‌هایی پیرامون واو وجود دارد. از بررسی این موارد می‌توان نتیجه گرفت که اگر واو در ابتدای کلمه باشد و حرف بعد از واو الف و یا مفتوح باشد، برای واو مفتوح، نقطه‌ای قرمز قبل از حرف در میانه و یا بالای واو نگارش یافته است، همانند ﴿وَإِسْعَى﴾  (همان، ص ۲، س ۲)، ﴿وَأَنبِؤُا﴾  (همان، ص ۱، س ۱۱) و ممکن است ﴿وَيَزُجُوا﴾ نیز به همین صورت باشد که به دلیل ناخوانا بودن نمی‌توان دقیقاً اظهار نظر کرد، بنگرید:  (همان، انتهای ص ۱۱، ۱۲).

این در حالی است که در برخی موارد نقطه‌ای مشاهده نمی‌شود، همانند ﴿وَلَا يَرْضَى﴾  (همان، ص ۱، س ۲)، ﴿وَلَا تَزِرُ﴾  (همانجا، ص ۳) و مواردی نیز ناخواناست.

در صورتی که حرف بعد از واو مضموم و یا مکسور باشد این نقطه در زیر واو قرار دارد، همانند ﴿وَأَمْرٌ﴾  ^۲ (همان، ص ۲، س ۴، ۵)، ﴿وَإِذَا﴾  (همان، ص ۱، س ۶).

در مواردی که واو در ابتدا نباشد و بعد از آن الف نوشته شده باشد، نقطه‌ای قرمز رنگ در سمت راست واو متمایل به پایین دیده می‌شود، برای نمونه بنگرید: ﴿شَكَرُوا﴾  (همان، ص ۱، س ۳)، ﴿أَنبِؤُا﴾  (همان، ص ۲، س ۱۴)

۱. کاتبان مصاحف بعد از واو جمع و واو اصلی کلمه ولو اینکه فعل مفرد باشد، الف را کتابت می‌کرده‌اند و از این قاعده چند کلمه مستثنا می‌باشند (ر.ک: دانی، ۱۴۳۱: ۲۸۵؛ همو، المقنن، بی‌تا: ۳۵). در قطعه مورد پژوهش نیز به همین صورت آمده است، همانند کتابت الف در واژگانِ ﴿حَسْبُوا﴾، ﴿أَنبِؤُا﴾، ﴿يَذُغُوا﴾ و... لازم به توضیح است که در ﴿وَيَزُجُوا حَمَةً رَبِّهِ﴾ به دلیل اینکه ﴿يَزُجُوا﴾ در انتهای سطر یازدهم قرار گرفته است، این الف در ابتدای سطر دوازدهم کتابت شده است (ر.ک: قطعه ش ۱۵۱، ص ۱، س ۱۱ و ۱۲).

۲. در این مورد مشاهده می‌شود که این نقطه نمی‌تواند مربوط به واژگان سطر زیرین باشد چرا که نقطه قرمز رنگی که در سمت راست همزه نهاده شده است مربوط به کسره واژه ﴿إِنِّي﴾ در ﴿قُلْ إِنِّي أَخَافُ﴾ (زمر/ ۱۳) می‌باشد.

و ﴿يَدْعُوا﴾ (همان، ص ۱، س ۸). در ﴿تَكْفُرُوا﴾ مشخص نیست که به مرور این نقطه کم‌رنگ شده است و یا در صدد پاک کردن آن بوده‌اند. بنگرید:

در ﴿أَحْسِنُوا﴾ این نقطه دیده نمی‌شود (همان، ص ۲، س ۱) و در ﴿فَاعْبُدُوا﴾ که واو در اول سطر قرار دارد، به نظر می‌رسد که فاصله این نقطه بیشتر از بقیه موارد می‌باشد: (همان، ص ۲، انتهای س ۷ و ۸) و البته به دلیل کم‌رنگ شدن و در حاشیه قرار داشتن آن نمی‌توان به درستی اظهار نظر کرد.

۵. نقطه‌های پیرامون الف


در این قطعه قرآن، در برخی موارد دو نقطه قرمز رنگ بین دو الف موجود در دو کلمه پیاپی دیده می‌شود، این موارد عبارتند از:

﴿اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾^۱: (همان، ص ۲، س ۱۳).
 در ﴿أَنَابُوا إِلَيَّ﴾ اولین نقطه کمی رنگ خود را از دست داده است، بنگرید:
 (همان، ص ۲، س ۱۴)، در ﴿خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ﴾ این نقطه‌ها بین دو الف دیده نمی‌شود، بلکه قبل از الف اول آمده، بنگرید:
 (همان، ص ۲، س ۹) و در ﴿يَدْعُوا إِلَيْهِ﴾ مطلقاً مشاهده نمی‌شود:
 (همان، ص ۱، س ۸).


آیا این دو نقطه در ﴿خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ﴾ و ﴿أَنَابُوا إِلَيَّ﴾ نشانه مد است؟ چرا در ﴿يَدْعُوا إِلَيْهِ﴾ دیده نمی‌شود؟ و در ﴿اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ وجود دارد، آیا ناقط یا ناقطان اشتباه کرده‌اند؟ یا هدفی و رای آنچه می‌دانیم در ذهن داشته‌اند.



همچنین در مواردی بین الف و لامی که متصل به حروف شمسی هستند این دو نقطه وجود دارد، همانند: ﴿الصَّابِرُونَ﴾ (همان، ص ۲، انتهای س ۲ و

۱. در این قطعه قرآنی الف به اختصار از کلماتی همانند ﴿يَا عِبَادِ﴾، ﴿الْحَاسِرِينَ﴾ و ﴿الطَّاغُوتَ﴾ حذف شده است (ر.ک: قطعه ش ۱۵۱، ص ۱، س ۱۴؛ ص ۲، س ۸ و ۱۳). حذف الف در یاء ندا و در کلمات پرکاربرد جمع سالم مورد عمل تمامی کاتبان مصاحف بوده است (ر.ک: دانی، ۱۴۳۱: ۲۲۰ و ۲۶۳). لازم به ذکر است که بنا به نقل ابن ابی داود، کتابتِ ﴿الطَّاغُوتَ﴾ (بدون الف) در سوره بقره مورد اتفاق تمامی کاتبان مصاحف بوده است (سجستانی، ۱۴۲۳: ۲۶۱).

۳)، ولی در ﴿بَدَاتِ الضُّوْرُ﴾  (همان، ص ۱، س ۶) و ﴿مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ﴾  (همان، ص ۱، س ۹) دیده نمی‌شود.

۶. نشانه‌های دیگر

۱-۶. به نظر می‌رسد که در این دست‌نوشته تنها در دو مورد نشانه‌هایی برای تشخیص حروف متشابه به کار برده شده است، اول دو نقطه قهوه‌ای هم‌رنگ با متن برای حرف تاء در ﴿ضُرْفُونَ﴾ و دوم دو پاره خط مورب جهت حرف تاء در ﴿تَكْفُرُوا﴾، بنگرید:  (همان، ص ۱، س ۱). با توجه به ناهمگون بودن این دو علامت با بقیه نشانه‌های موجود در قطعه و به خصوص اینکه این دو مورد در کلمات اولیه متن است، به احتمال بسیار این علامت‌ها در زمان‌های بعد اضافه شده است.

۲-۶. یک نقطه بزرگ بین ﴿أُولَ الْأَلْبَابِ﴾ و ﴿قُلْ﴾  (همان، ص ۱، س ۱۴) که رنگ آن به مرور به قهوه‌ای روشن تغییر یافته است. گویا قبلاً نیز این علامت ذهن محقق‌ی! دیگر را به خود مشغول ساخته و به مراتب بر گرد آن خطوطی را به یادگار نهاده است. شبیه همین نقطه بین واژگان ﴿فَاتَّقُونَ﴾ و ﴿وَالَّذِينَ﴾ دیده می‌شود، بنگرید:  (همان، ص ۲، انتهای س ۱۲ و ۱۳).

از جهت اینکه آیه ۹ سوره زمر با ﴿أُولَ الْأَلْبَابِ﴾ و آیه ۱۶ با ﴿فَاتَّقُونَ﴾ به پایان می‌رسد، می‌توان احتمال داد که این دو نقطه علامتی برای نشان دادن مجموعه‌ای از آیات و یا پایان و شروع آیه باشد. احتمال اول نسبت به دیگری رجحان دارد چرا که تنها در این قطعه همین دو مورد دیده می‌شود و اگر بنا بر علامت‌گذاری انتهای آیات می‌بود، بایستی به موارد بیشتری برمی‌خوردیم، اما نظر به قدمت این قطعه نمی‌توان به هیچ یک به دیده یقین نگریست.

۱. بنا به سخن دانی در *المقنع*، کاتبان مصاحف بعد از واو رفع، الف را کتابت می‌کرده‌اند، همانند واژه ﴿أُولَ الْعِزْمِ﴾ (*المقنع*، بی تا: ۳۵؛ نیز ر.ک: همو، ۱۴۳۱: ۲۸۷)، در این قطعه نیز این الف کتابت شده است، همانند ﴿أُولَ الْأَلْبَابِ﴾ (ص ۱، س ۱۳).

نتیجه گیری

در این مقاله یکی از قدیمی ترین قطعات موجود قرآن کریم که در بردارنده نشانه‌هایی منحصر به فرد در اعراب قرآن کریم است، معرفی گردید. این قطعه که بر دو طرف پاره‌ای پوست کتابت شده است و در بردارنده حدود دوازده آیه از سوره مبارکه زمر می‌باشد، علاوه بر آنکه سندی درخور از کتابت قرآن کریم است، نشان از اهتمام و سخت کوشی مسلمانان به امر نگارش قرآن کریم دارد. قطعه مورد مطالعه در بردارنده نشانه‌هایی ویژه در اعراب قرآن است به گونه‌ای که به برخی از این علائم در کتاب‌های نقط و علوم قرآنی اشاره نشده است، همانند علامتی که نشان‌دهنده حرکت همزه مضموم می‌باشد. یکسانی خط و یکدست بودن اغلب نشانه‌های قطعه مورد بررسی به ویژه از جهت اندازه و کیفیت رنگ نشان می‌دهد که این قطعه همانند بسیاری دیگر از نسخه‌های خطی در طول زمان دستخوش تغییرات قابل ملاحظه‌ای نشده است.



پیوست ۱: تصویر روی برگ قطعه شماره AC 151، کتابخانه مک‌لنن دانشگاه مک‌گیل.



پیوست ۲: تصویر پشت برگ قطعه یادشده

کتاب شناسی

۱. قرآن کریم، سوره زمر، آیات ۶-۱۷، نسخه خطی، دانشگاه مک گیل، کتابخانه مک لنان، شماره AC 151.
۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بیروت، دار المعرفة، ۱۹۷۸ م.
۳. اکرت، عبدالتواب، الضبط المصحفی نشأته و تطوره، قاهره، مكتبة الآداب، ۲۰۰۸ م.
۴. حسن، صالح بن ابراهیم، الكتابة العربية من النقوش الى الكتاب المخطوط، رياض، دار الفيصل الثقافيه، ۲۰۰۳ م.
۵. حمد، غانم قدوری، رسم المصحف، بغداد، اللجنة الوطنية للاحتفال بمطلع القرن الخامس عشر الهجرى، ۱۴۰۲ ق.
۶. دانى، ابو عمرو عثمان بن سعيد، المحكم فى نقط المصاحف، تحقيق د. عزة حسن، چاپ دوم، دمشق، دار الفكر، ۱۴۰۷ ق.
۷. همو، المتنع فى رسم مصاحف الامصار، تحقيق محمد صادق قمحاوى، قاهره، مكتبة الكليات الازهرية، بی تا.
۸. همو، المتنع فى معرفة مرسوم مصاحف اهل الامصار، تحقيق نورة بنت حسن بن فهد، رياض، دار التدمرية، ۱۴۳۱ ق.
۹. همو، النقط، تحقيق محمد صادق قمحاوى، قاهره، مكتبة الكليات الازهرية، بی تا. (چاپ شده به همراه المتنع فى رسم مصاحف الامصار)
۱۰. سجستانی، عبدالله بن سليمان بن ابى داود، كتاب المصاحف، تحقيق محمد بن عبده، قاهره، الفاروق الحديثه، ۱۴۲۳ ق.
11. Fuchs, Robert, *The History and Biology of Parchmen*, Karger Gazette, No. 67 <http://www.karger.com/gazette/67/fuchs/art_5.htm> .
12. Gacek, Adam & Ali Yayciolu, *Ottoman-Turkish Manuscripts in the Islamic Studies Library and Other Libraries of McGill University*, Montréal, Québec, McGill University Libraries, 1998.
13. Gacek, Adam, *A Yemeni Codex from the Library of Sharaf al-Dīn al-Haymī*, Lundun, Muassasat al-Furqānlil-Turāth al-Islāmī, 2002.
14. Gacek, Adam, *Arabic Calligraphy and the "Herbal" of al-Ghâfiqî: a Survey of Arabic Manuscripts at McGill University*, Montréal, Québec, McGill University Libraries, 1989.
15. Gacek, Adam, *Arabic Lithographed Books in the Islamic Studies Library*, McGill University.
16. Gacek, Adam, *Arabic Manuscripts in the Libraries of McGill University*, Montréal, McGill University Libraries, 1991.
17. Gacek, Adam, *Catalogue of Arabic Manuscripts in the Library of the Institute of Islamic Studies*, London, Islamic Publications, 1984-1985.
18. Gacek, Adam, *Early Quranic fragments, Fontanus*, Vol. III, Montréal, Québec, McGill University, 1990.
19. Gacek, Adam, *Persian Manuscripts in the Libraries of McGill University*, Montréal, McGill University Libraries, 2005.



موجز المقالات

الآية الشريفة ﴿عليكم أنفسكم﴾ وعلاقتها بمقولتي «تهذيب النفس»
و«تربية الغير» (مركزة على وجهة نظر العلامة الطباطبائي رحمته الله)

- مرتضى الإيرواني النجفي (أستاذ مشارك بجامعة فردوسی بمشهد)
- حسن نقی زاده (أستاذ مشارك بجامعة فردوسی بمشهد)
- عباس إسماعيلي زاده (أستاذ مساعد بجامعة فردوسی بمشهد)
- بي بي حكيمه الحسيني (طالبة في مرحلة الدكتوراه بفرع علوم القرآن والحديث)

إنّ الآية الشريفة ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ الواردة في سورة المائدة من الآيات التي تفسرها صعب، حيث هيئنا وجهات نظر شتى حول علاقتها بفريضة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر. فبعض المفسرين استفاد من هذه الآية نسخ حكم الأمر بالمعروف في حين، بعض آخر قال بتقييد وتخصيص حكم الأمر بالمعروف بهذه الآية. بينما المادة الراهنة ناقدة الرؤى الكثيرة في هذا المجال، رجّحت وجهة نظر العلامة الطباطبائي الدالة على أنّ الأمر بالمعروف من شؤون الاشتغال بالنفس ومصاديقه. فالعلامة الطباطبائي ناظرًا إلى مبدأ الحكمة المتعالية والحركة الجوهرية يرى أنّ النفس هي مسير سبيل سلوك الإنسان وليست سالكة لهذا الطريق والغاية القصوى لهذا الطريق

التكوينيّ هو الله سبحانه وتعالى وسلوك هذا الطريق لزام وفرض على كافة الناس؛ مؤمنين كانوا أو كافرين. وبعد إنعام النظر في هذا الاتجاه نرى أنّ له آثار وثمار هامة في حقل تهذيب النفس وتربيتها ومن ثمّ اهتمامنا بمناقشتها ودراستها من جديد.

المفردات الرئيسة: تهذيب النفس، معرفة النفس، الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، عليكم أنفسكم، تربية النفس، العلامة الطباطبائيّ.

دراسة نطاق الثقة بالنفس وخصائصها في ضوء التعاليم القرآنيّة

- جواد الإيرواني (أستاذ مساعد بالجامعة الرضويّة للعلوم الإسلاميّة)
- علي العبادي (ماجستير بفرع علوم القرآن والحديث)

تعنى الثقة بالنفس في ضوء التعاليم القرآنيّة الاعتماد على إرادتنا وعملنا وقدراتنا متّكئين على الله سبحانه ومستمدّين منه وكذلك معناها لفت النظر إلى قابليّاتنا الملهمة من الله والعزّة والكرامة الإنسانيّة والاستقلال أمام الآخرين قاطعين الأمل والرجاء منهم. إنّ لهذا المفهوم إطار معيّن بحيث يمتاز عن الرذائل الأخلاقيّة كحديث النفس والعجب والتكبر والغرور. كما أنّ الفضائل الأخلاقيّة كالتواضع والخشوع تتجم عن مبدأ الثقة بالنفس القويّة. فإنّه توجد في التعاليم القرآنيّة كمّيّة ضخمة من سنىّ المعارف والتي ثمرتها توطيد وتعزيز عزّة النفس والثقة بها. استهدفت الدراسة الراهنة عرض عدد من المسائل الهامة بعضها ما يلي:

تعريف وتحديد زوايا الثقة بالنفس من منظور دينيّ، تحديد حقلها الدقيق، ميزها عن أخرى الفضائل والرذائل الأخلاقيّة، التعاليم المؤيّدّة لها، الأسباب التي تدعم وتقوّى مستوى عزّة النفس والثقة بها في القرآن الكريم، بيان المراد من النفس من بين مختلف مراتبها ودرجاتها المستعملة وكذلك الإجابة على عدد من الشكوك والتساؤلات في هذا الصعيد.

المفردات الرئيسة: النفس، الثقة بالنفس، الإيمان بالنفس.

الخلاص من الألم في التعاليم القرآنيّة والبوذيّة

- السيّد محمّد حسين الموسوي
 - طالب في مرحلة الدكتوراه بفرع مدرّس المعارف الإسلاميّة بجامعة فردوسى بمشهد
- لقد خلق الإنسان بين الصعاب ويواجه مشاكل كثيرة طيلة حياته. فإنّ الإدارة الحسنة

للمشاكل تساعده على الخلاص من الآلام ولكن وقوعه فى المصائب والبلايا يرشده إلى سلوك طريق هادف. من جانب آخر، عدم الإدارة الحسنة يقضى إلى الاختلالات العصبية وبعض الأحيان عدم الرضا بعيشه ونصبيه من الحياة. فهيها ديانات عرضت لإدارة المشاكل وتذليل الصعاب، مركزة على رؤيتها العالمية، برامج لتسهيل تحمّل الآلام. قد عرضت التعاليم القرآنية للإسلام وتعاليم الأئمة المعصومين عليهم السلام وكذلك التعاليم البوذية مناهج وأساليب وصولاً إلى هذا الغرض. المادة الراهنة مستخدمة الأسلوب التوضيحي والتحليلي ترمى إلى الحصول على أطر ومناهج الإسلام والديانة البوذية للخلاص من الآلام وكذلك مقارنة هذه التعاليم وتحليلها بشكل موجز. فالقرآن الكريم وفى مواقف عدّة، مع قبول وجود الألم والمصيبة فى حياة الإنسان جعله هادفاً ويرى أنّ جوهرة الآلام وماهيّتها ليست إلا الخير والجميل وعروة إلى وصول الكمال. فى نظرة جامعة تشطر الآلام والمصائب إلى أقسام ثلاثة وهى: ردّ الفعل للأعمال وكفارة الذنوب وتمهيد الأرضية المناسبة لتكامل شخصيّة الإنسان. لكن الديانة البوذية التى ترى الآلام من سمات العالم ومن جملتها الإنسان، مع نظرة متشائمة إلى الأحداث المؤلمة وغير المرتقبة، لا تذكر هدفاً وغايةً لهذه البلايا والمشاكل وترتأى أنّه يمكن الخلاص من الآلام مستخدمين العمل بالأوامر والأحكام الثابتة. تطرّق البحث الراهن إضافة إلى طرح هذه المسألة وعرض مفهومها إلى ذكر الحلول المناسبة والسامية للخلاص من الآلام من وجهة نظر الإسلام وبودا وكذلك تحليل هذه الحلول والأساليب المقترحة.

المفردات الرئيسة: الألم، المصيبة، الإسلام، الديانة البوذية، الخلاص من الألم.

معايير تمييز المصائب الابتلائية عن المصائب الجزائية فى القرآن الكريم

□ السيد محمّد المرتضى

□ أستاذ مشارك بجامعة فردوسى بمشهد

من المعلوم أنّ سنة الابتلاء إحدى السنن المحتومة لله سبحانه وتعالى وهذه تتم تارة فى إطار المصائب وأخرى فى إطار النعم. من جانب آخر، إنّ ردّ الفعل لبعض الذنوب والآثام قد يظهر على صورة المصيبة وقد لا يسع الإنسان أن يعرف أنّ المصيبة والبليّة التى نزلت به هل هى من قبيل الابتلاء الإلهيّ فيصبر أم هى عقوبة الآثام فيتوب إلى الله

جَلَّ ذكره، فما هو الضابط في معرفة هذا النوع من المصائب؟ المادّة الحاليّة وضمن دراسة الآيات في هذا المجال، تقسم المصائب إلى أقسام ثلاثة وتشير لكلّ قسم منها معايير وضوابط لمعرفة نوعيّة وهي كما تلى: الأول: المصائب الابتلائيّة، ومن جملة معاييرها كونها قابلة للحمل والتحمّل، حصول السكينة بعيد الابتلاء، أخذ الثوب بعد تمام الابتلاء من جانب الله والإتمام من جانب العبد. الثاني: المصائب التي تكون عقوبة للذنوب المقترفة بصورة جماعيّة، وملاك معرفة هذا القسم من المصائب كونها عامّة وشاملة ولا تسنح الفرصة للإصلاح والتهلّكة الجماعيّة. الثالث: المصائب التي نزلت بالعبد جزاءً للذنوب الشخصيّة وضابطها عدم شمولها وعجز الإنسان عن تبديل المصيبة وإمكان رفعها عبر التوبة والإنابة إلى الله تعالى وتبديل المصيبة إلى الهناء والسرور وليراجع لتوضيح هذه المعايير والضوابط إلى نصّ المادّة والبحث الحاليّ.

المفردات الرئيسيّة: الابتلاء، المصائب، المصائب الابتلائيّة، المصائب الجماعيّة، ضابط المصائب الجزائيّة الشخصيّة.

مناقشة الاتجاهات المعنائيّة لكلمة «المسّ»

في آية «لا يمسه إلا المطهرون»

- على الراد (أستاذ مساعد بجامعة طهران بيرديس الفارابيّ)
- فضل الله غلامعلي تبار (ماجستير بفرع التفسير الأثريّ)

لقد شاهد علماء الإماميّة منذ سالف الزمن حول معنى «المسّ» في الآية الكريمة ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ ثلاثة اتجاهات دارجة وهي المسّ الظاهريّ والمسّ الباطنيّ (المعنويّ) والمسّ الشامل. فالأول حول كلمة «المسّ» هو أنّ المراد من المسّ هو المسّ الظاهريّ وعلى هذا الأساس، حكمه الفقهيّ هو حرمة مسّ كافة أعضاء الإنسان للقرآن بلا طهارة. والأولة الخمسة المؤيّدّة لهذه الرؤية كما تلى: استخدام كلمة المسّ في المسّ الحسيّ والجسمانيّ بين شيئين، رجوع الضمير في كلمة «المسّ» إلى القرآن، استدلال المعصوم عليه السلام بالنبويّة ومخالفة غير هذا التفسير للوجدان. ولكن الاتجاه الثاني يرتأى أنّ المراد من «المسّ» هو إدراك الحقائق القرآنيّة واستدلال بأدلة منها: سياق الآية،

ظروف نزول الآية، الروايات التفسيرية، الدلالة المعنوية لكلمة «المطهرون» على الطهارة الباطنية والمعنوية وكذلك رجوع الضمير في كلمة «لا يمسه» إلى الكتاب المكنون. بينما يرى الاتجاه الثالث أن المقصود من كلمة «لا يمسه» هو المسّ بشئ أنماطه ظاهرياً كان أم باطنيّاً. كما عمد هذا الاتجاه لإثبات مدعاه إلى إطلاق كلمتي «المسّ» و«المطهرون». والجدير بالذكر أن لكل من الاتجاهات الثلاثة نظرة نقدية إلى الآخر ولذلك أقام كل منها أدلة على نفي الاتجاه الآخر المنافس. تطرقت هذه الدراسة إلى معالجة الأدلة وتقييمها ونقدها في هذا الحقل كما تقدم الرؤية المختارة في هذا المجال. المفردات الرئيسية: الطهارة المعنوية، فهم القرآن، معرفة المعنا (الرؤية المعنوية الدلالية)، الدراسات المقارنة والنقدية.

الدراسة المفهومية والمصادقية لـ «أوتوا العلم»

في الآية الـ ٤٩ من سورة العنكبوت

□ محمّد مهدي المسعودي

□ أستاذ مساعد بالجامعة الحرة الإسلامية بإقليم

لا يخفى على أحد أهمية العلم والمعرفة ومكائنتها المرموقة من منظور الإسلام، حيث ذكر القرآن الكريم أنّ الغرض من بعث النبي الخاتم ﷺ هو تعليم الكتاب والحكمة. وفي هذا المجال ذكر القرآن الشريف حال الذين أعطاهم العلم وزينهم به وحلاهم بحلية «أوتوا العلم» ومصدق صاحبي العلم. ومع صرف النظر عن أقوال وآراء المفسرين في تفسير عدد من الآيات، فالأقوال في حصر مصاديق «أوتوا العلم» أو عمومها مختلفة جداً. عنت الدراسة الراهنة بالمعالجة المفهومية والدلالية لـ «أوتوا العلم». في الآية الـ ٤٩ من سورة العنكبوت إضافة إلى تعرّضها لمصاديق أوتوا العلم ومقولة الجري والتطبيق، وفي نهاية الجولة، أثبتت القول بالحصر معوّلة على الاستناد التحليلي بالروايات الواردة في هذا الصعيد.

المفردات الرئيسية: أوتوا العلم، الجري والتطبيق، الدراسة المفهومية والمصادقية لـ «أوتوا العلم»، الآية الـ ٤٩ المباركة من سورة العنكبوت.

العلاقة التكاملية للشرائع

وأثرها على الأحكام الفقهيّة لقصص القرآن وروايات قصص الأنبياء

□ محمّد كاظم الشاكر (أستاذ بجامعة قم)

□ محمّد بيگي (طالب في مرحلة الدكتوراه بفرع مدرّس المعارف)

من المعلوم أنّه في تبين كَيْفِيَّةِ علاقة الشرائع الإلهية بعضها مع الآخر هيئنا ثلاثة فروض .
والفرضان الأولان أي التباين والتساوي باطلان والفرض الثالث هو المتعيّن وهو وجود
الأحكام المشتركة والمتفاوتة. وفي تقرير الفرض الأخير لنا أن نقول أن هذه الأحكام
المشتركة قد وضعها شارع واحد. فعليه هذه الاختلافات لا تُنبئ عن التعددية في الشرائع
الإلهية كما لا تكون مسبباً عن نسخ الشرائع، بل الواقع أنّ الشريعة حقيقة واحدة ولا يزال
السير التكاملية لتشريع الأحكام قد أسفر عن عدد من الاختلافات والتطورات فيها.
والتقرير الذي نحن بصده يرمي إلى تأسيس هذا المبدأ وهو أنّه في عملية تشريع
الأحكام، الأصل هو تكامل الأحكام الشرعية وتطورها. فعليه لم تنسخ أحكام أيّ شريعة
كانت، بل في دوران الحكم بين الكامل والأكمل، تزول حجّة الحكم الكامل العمليّة.
وعليه الأحكام الفقهيّة التي تتعلّق بالشرائع السالفة معتبرة وحجّة إلا إذا أحرز حكمها الأكمل
في شريعة الإسلام بشكل حاسم وإذا لم يتعيّن العمل بالحكم الأكمل في شريعة
الإسلام بسبب ما كعروض محذور وما شابه ذلك. فحكم الشريعة السالفة ثابت ونتيجة
لهذا المبدأ سرى نطاق رؤية الفقيه إلى قصص القرآن وقصص الأنبياء. فنستنبط أنّ علاقة
أحكام الشرائع السالفة بالإسلام على أنماط ثلاثة: الف) تثبيت حكم الشريعة السالفة
دون أيّ تغيير، فيجب العمل به على كافّة المسلمين. ب) لم تثبت عين الحكم السابق
ولا الصورة المتكاملة منه في شريعة الإسلام وفي تلك الحالة، حكم الشريعة السالفة باق
على حجّيته بلا ريب. ج) ثبتت الصورة المتكاملة والمتعالية منه في ديانة الإسلام ولكن
هذا الأخير على قسمين: ففي الظروف العادية يتعيّن العمل بالحكم الحديث والأكمل
وفي الظروف الاضطرارية والطارئة، علينا العمل بحكم الشريعة السالفة قطعاً.

المفردات الرئيسة: نسخ الشرائع، التعددية، تكامل الشرائع، آيات الأحكام، قصص
القرآن، روايات قصص الأنبياء.

التعريف بعلام الإعراب ودراستها في نسخة قديمة من القرآن الكريم

□ رضا فرشچيان

□ أستاذ مساعد بجامعة الشهيد باهر بكرمان

تتضمّن مكتبة مكّ لنان¹ بجامعة مكّ جيل² على مجموعات من المصادر الثمينة والدرر الفخيمة من الثقافة الإسلاميّة والإيرانيّة ومن جملتها الأجزاء النادرة والعزيزة من القرآن الكريم. فنحن نشاهد أحد أعرق الأجزاء من القرآن الكريم في تلك المكتبة والتي تشمل على آيات من سورة الزمر المباركة وقد كتبت هذه القطعة على طرفى جلد بالخطّ الكوفى. والجدير بالذكر أنّه للإيعاز إلى حركة الحروف وإعراب الآيات لقد استخدمت نقط حمراء وليس بإمكاننا الحكم القاطع حول نقطة الحروف المتشابهة أو فواصل الآى القرآنيّة. ومن العلام الهامّة في هذه القطعة المكتوبة هي مشاهدة نقط أطراف حرف الواو حيث وضعت هذه النقط مناسبة مع حركة الحرف التالية بعد الواو. كما أنّه من الرائع جدًّا كون نقطتين بين وقبل عدد من الألفات من هذه النسخة القرآنيّة.

المفردات الرئيسيّة: القرآن الكريم، النسخ المخطوطة للقرآن، سورة الزمر، جامعة مكّ جيل.

١٩٥

1. McLenan.
2. McGill.